



ورود ارتش رژیم موقت صهیونیستی به غزه و درگیری سنگین زمینی نیروهای مقاومت همزمان با ادامه موشک‌باران سرزمین‌های اشغالی یک معنا دارد: راه آزادی فلسطین مبارزه است

پنجه در پنجه شیطان



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

تهاجم سراسری و سنگین ارتش رژیم به غزه که با حضور نزدیک به ۶۵ هزار نظامی صهیونیست و همراهی پنج هزار سرباز آمریکایی صورت گرفت، تنها ساعاتی پس از آغاز در شامگاه جمعه، به شکست انجامید. این یورش، جدی‌ترین تلاش تل‌آویو و آمریکا برای حمله زمینی به نوار غزه از ابتدای وقوع جنگ به حساب می‌آید. واشنگتن و تل‌آویو پیش از این نیز در چند نوبت تلاش کردند عملیات زمینی علیه غزه را کلید بزنند، اما هر بار در دقایق ابتدایی با آشکار شدن نشانه‌های شکست، آن را متوقف ساخته بودند. عملیات روز یکشنبه هفته گذشته یکی از این تلاش‌ها بود که با هدف قرار گرفتن دو پولدورز و یک تانک، عملیات به‌سرعت پایان یافت. در این عملیات، نظامیان آمریکایی برای نخستین‌بار در یورش به غزه به‌طور مستقیم حضور داشته و متحمل تلفاتی شدند. «داگلاس مکرگور»، مشاور سابق پنتاگون بلافاصله پس از این شکست ادعا کرد نیروهای ویژه آمریکایی برای اطلاع از محل نگهداری اسرا به همراه نیروهای ویژه صهیونیست وارد غزه شدند، اما تعدادی از اعضای تیم آمریکایی در عملیات کشته شدند.

تل‌آویو با شکست عملیات یورش در همان دقایق اول، سراسری بودن آن را انکار و این اقدامات را محدود نمایش می‌داد تا همچنان فرصت برای یورش زمینی روی میز باقی بماند، زیرا پذیرفتن و آشکار شدن شکست حمله سراسری می‌توانست این حمله را که از نظر سران غربی و صهیونیستی لازم است، به‌طور کلی لغو کند. تل‌آویو برای فراهم آوردن شرایط عملیات بر شدت بمباران‌ها افزود و در اقدامات ترکیبی تلاش کرد حملات دقیقی به یگان‌های ضدزره حماس که تصور می‌شد در ساختمان‌های کمربندی مناطق مسکونی موضع گرفته‌اند، صورت دهد. به‌زعم صهیونیست‌ها با این بمباران‌ها، کمربند مناطق مسکونی نابود می‌شد و دیگر یگان‌های ضدزره قابلیت استقرار در آنها را نداشتند. همچنین احتمال داشت شبکه تونل‌ها نیز آسیب ببیند. همزمان شبکه فرماندهی حماس نیز تحت فشار حملات هوایی دقیق، چند نفر از فرماندهان خود را از دست داد. با این اقدامات، مستشاران نظامی آمریکایی و فرماندهان صهیونیست زمان را برای یورش زمینی مناسب تلقی کردند و از این رو یورش جمعه‌شب، بسیار گسترده‌تر و شدیدتر از اقدامات قبلی به اجرا درآمد. علی‌رغم پیشروی‌های ابتدایی، اما این عملیات نیز به‌سرعت طی چند ساعت به ناکامی کشیده شد.

یورش جمعه‌شب چگونه اجرا شد؟

رژیم در روزهای نخست جنگ تخمین زد برای نبرد علیه غزه به بیش از ۳۰۰ هزار سرباز نیاز دارد و بر همین اساس ۳۶۰ هزار نظامی ذخیره را فراخواند؛ هر چند بنابر ادعاهایی تنها ۷۰ هزار نفر از آنها خود را به مراکز نظامی معرفی کردند. آمار دقیق نظامیانی که در اطراف غزه تجمع کرده‌اند به‌طور کامل مشخص نیست، اما با توجه به استقرار دوسوم سربازان نیروی زمینی در کرانه باختری، حضور سنگین در مرزهای شمالی و شکست فراخوان، به نظر می‌رسد تعداد نیروهای تجمع کرده در اطراف غزه در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر باشند. ارتش رژیم عملیات روز جمعه را با سه لشکر و چهار تیپ به اجرا درآورد. هر لشکر در ساختار رژیم دارای ۱۵ هزار نیروی رزمی و هر تیپ دارای پنج هزار نیروی رزمی است. بر همین اساس صهیونیست‌ها در مجموع ۶۵ هزار نیروی رزمی را برای حمله به غزه تدارک دیده بودند که پنج هزار نیروی آمریکایی نیز آنها را همراهی می‌کردند. باقی‌مانده نیروهای صهیونیست نیز برای پشتیبانی از عملیات و همچنین

حفاظت از مرزهای رژیم در برابر نفوذ مبارزان غزه در منطقه پیرامونی این نوار مستقر بودند.

به‌لحاظ زمانی، شب برای اجرای عملیات انتخاب شده بود زیرا به دلیل کمبود دوربین‌های دید در شب در جبهه حماس و وفور آن در دستان رژیم، تعداد زیادی از نیروهای حماس از دور عملیات خارج می‌شدند. درحالی‌که سربازان مجهز صهیونیست قادر به اجراء دستورات بودند. به گزارش تسنیم و به نقل از منابع آگاه، رژیم علاوه‌بر استفاده از پوشش شب و تحمیل قاطع برتری تجهیزاتی خود بر حماس، تلاش کرد با بمباران‌های بسیار شدید و دیوانه‌وار، منطقه عملیات را برای ورود نیروهایش پاکسازی کند. به موازات این بمباران‌ها نیروی زمینی رژیم سعی کرد از چند منطقه از جمله البریج، بیت حانون و بیت‌لاهیآ و همچنین شمال خان‌یونس، به‌صورت زمینی وارد باریکه غزه شود. به گفته این منابع، تل‌آویو قصد داشته است نوار غزه را به دو یا سه منطقه تقسیم کرده و با تقسیم ظرفیت مقاومت در این منطقه، با هر بخش به‌صورت جداگانه وارد نبرد شود. بر این اساس نوار غزه به دو منطقه جنوبی و شمالی یا سه منطقه شمالی، میانی و جنوبی تقسیم می‌شد. در سناریو نخست، بخش شمالی نوار غزه از بیت حانون و بیت‌لاهیآ در شمال تا البریج در مرکز کشیده شده و منطقه جنوبی از البریج تا رفح بود. براساس سناریو سوم نیز منطقه شمالی از بیت حانون و بیت‌لاهیآ تا البریج، منطقه میانی از البریج تا خان‌یونس و منطقه جنوبی از خان‌یونس تا رفح ایجاد می‌شدند. علی‌رغم این سناریوهای خطرناک که قرار بود با یورش سنگین همراه باشد، عملیات به‌دلیل آرایش جنگی حماس و تدابیر به‌کار گرفته شده توسط این گروه، به بن‌بست رسید.

ترکیب برنده جنگ؛ شبکه تونل و ضدزره

به زعم صهیونیست‌ها، با بمباران‌های شدید توسط جنگنده‌ها، پهپادها و بالگردها در کنار آتش سنگین توپخانه‌ای، نیروهای موضع گرفته در سطح زمین، کشته شده و شبکه تونل‌ها نیز با لرزش ناشی از چنین آتش سنگینی اگر نابود نشوند، دچار آسیب شده و برای استفاده فوری مناسب نخواهند بود. اما برخلاف برداشت صهیونیست‌ها و مستشاران آمریکایی‌شان، شبکه تونل‌ها سالم و قابل استفاده باقی ماند. سالم ماندن شبکه تونل‌ها می‌تواند ناشی از تقویت استحکام آنها نسبت به گذشته و همچنین توسعه ابعادشان باشد. توسعه ابعاد و طول شبکه تونل‌ها باعث می‌شود تا درصورت آسیب بخشی از آنها، همچنان قسمت‌های دیگر قابل استفاده باشد. با سالم ماندن یگان‌های نظامی حماس در خط مقدم در داخل تونل‌ها، رژیم ناگزیر بود با آنها درگیر شود اما تونل‌ها ضمن حفاظت از نیروهای حماس در بمباران، مزایای دیگری نیز برای آنها فراهم کرده بود. اگر تونل‌ها وجود نداشتند یا نیروهای حماس تصمیم می‌گرفتند پس از بمباران به‌طور کامل در سطح زمین مستقر شوند، آنگاه باید در خط و خاکریز و با فاصله از نیروهای دشمن، با آنها درگیر می‌شدند. با این حال نیروهای حماس تصمیم گرفتند از همان تونل‌ها با نظامیان رژیم بجنگند. در چنین فضایی دیگر فاصله مطرح نبود و نیروهای حماس احتمال داشت هرلحظه از نقطه‌ای از زمین بچوشند و به سرعت از روبه‌رو، پهلو یا عقب با سلاح‌های خود به نیروهای دشمن شلیک کنند. در این شرایط صهیونیست‌ها نمی‌دانستند از کدام جهت مورد حمله قرار گرفته‌اند تا به آن سمت شلیک کنند و فاصله مناسبی نیز برای درگیری نداشتند. صهیونیست‌ها همچنین نمی‌توانستند از پشتیبانی هوایی برای درگیری بهره‌گیرند زیرا قادر به تعیین دقیق مختصات حضور مبارزان فلسطینی نبودند تا جنگنده‌ها، پهپادها و بالگردها به آن نقاط حمله کنند.

نیروهای حماس اما تنها از تونل‌ها استفاده نمی‌کردند بلکه به موشک‌ها

و راکت‌های ضدزرهی مانند موشک کورنت، کنکورس (نمونه ساخت کره‌شمالی) و راکت آرپی‌جی-۲۹ نیز مسلح بودند که می‌توانستند آسیب قابل توجهی به خودروهای زرهی وارد سازند. تانک‌های مرکاوا به دلیل ضخامت بالای زره، بهره بردن از زره زاویه‌دار و واکنش دهنده که باعث کمانه موشک‌ها و راکت‌ها می‌شود و همچنین سامانه ترفه‌ی موشک‌های پرتاب‌شده را در نزدیکی تانک هدف قرار می‌دهد، هدف چندنان آسانی برای یگان‌های ضدزره نیست اما پرتاب بی‌امان موشک‌های ضدزره و البته بهره‌گیری از تله‌های انفجاری می‌تواند این ارابه‌های مرگ را که باعث تهاجر صنعت صهیونیست‌هاست، در خط مقدم از کار بیندازد. این تانک‌های قدرتمند به راحتی نابود نمی‌شوند اما آسیب دیده و نیازمند تخلیه نفرات هستند.

در جمعه شب یگان‌های ارتش رژیم زیر آتش بی‌امان تسلیحات ضدزره قرار گرفتند تا با آسیب دیدن خودروهای پشتناز که در ابتدای ستون‌های زرهی قرار داشتند، امکان پیشروی مختل شده و همزمان با بروز تلفات و فرار سربازان از داخل خودروهای زرهی، نیاز به مدیریت تخلیه آنها از میدان جنگ ایجاد شود. پس از این تغییر وضعیت، جنگنده‌ها، پهپادها و بالگردهای رژیم بار دیگر نواحی پیرامونی منطقه تهاجم را به آتش کشیدند تا خودروهای سربازان سالم‌مانده و سرنشینان خودروهای آسیب‌دیده را به عقب بازگردانند.

اگر حمله موفق می‌شد؟

اگر حمله صهیونیست‌ها در جمعه‌شب منجر به از بین رفتن توان دفاعی حماس می‌شد، با تقسیم نوار غزه به دو یا سه منطقه، تل‌آویو می‌توانست یکی از نقشه‌های دیرینه خود درخصوص این منطقه را به اجرا درآورد. هفته گذشته گزارگری بلومبرگ به نقل از منابع آگاه گزارش کرد مقامات آمریکا و رژیم گفت‌وگوهای خود درباره آینده نوار غزه پس از «سرنگونی حماس» را آغاز کرده‌اند که در این مذاکرات تشکیل «دولت موقت» با حمایت سازمان ملل و مشارکت کشورهای عربی ازجمله گزینه‌هاست. تل‌آویو که اخراج ساکنان غزه یا حتی ریشه‌کنی حماس با اشغال کامل غزه را در شرایط کنونی ناممکن می‌داند، به دنبال تخریب گسترده در غزه و همزمان اشغال بخشی از شمال این منطقه است. مناطق اشغالی که نقطه ثقل آن شمال نوار غزه خواهد بود، همانند منطقه حائل میان غزه و سرزمین‌های صهیونیست‌نشین عمل کرده و همزمان محل استقرار دولت بین‌المللی تحت کنترل سازمان ملل یا تشکیلات خودگردان خواهد بود. براساس طرحی غرب اگر این دولت در نوار غزه مستقر شود همزمان دو مسئولیت «بازسازی» و «ارائه خدمات معیشتی» به ساکنان غزه را برعهده گرفته و به تدریج باعث رویگردانی مردم از حماس خواهد شد.

چرا رژیم به سمت عملیات زمینی رفت؟

رژیم صهیونیستی برای بازدارندگی در برابر حمله ارتش‌های بزرگ و کلاسیک، از سلاح هسته‌ای بهره می‌گیرد؛ همان‌گونه که قصد داشت به دنبال پیشروی‌های شگرف ارتش مصر در جریان جنگ ۱۹۷۳، به ادعای دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا، آماده استفاده از این تسلیحات علیه مصر -در صورت لزوم- شده بود.

در حوزه حملات موشکی مقاومت در غزه نیز، ترور رهبران نظامی، تضعیف زیرساخت‌ها و تقویت موشک‌های پدافند هوایی گنبد آهنین در دستور کار قرار داشتند تا بازدارندگی ایجاد شود.

با حمله اکثرا اما بازدارندگی زمینی رژیم دچار خدشه شد که در مورد غزه با سلاح هسته‌ای یا ابزارهای موثر قبلی مانند گنبد آهنین قابل‌بازیابی نیست. در جریان ۷ اکتبر، «الشکر غزه» صهیونیست‌ها که در اطراف نوار غزه مستقر بوده و وظیفه دفاع از مناطق صهیونیست‌نشین را برعهده داشت، با کشته و زخمی شدن شش هزار نیروی خود و فرار باقی ماندگان



دوربین دید در شب

موشک ضد تانک

تله انفجاری

تونل

توپخانه

نفربر

تانک

برترین ابزارهای رژیم صهیونیستی در تهاجم

۸